

انقلاب اسلامی و کارآمدی سیاست نه شرقی و نه غربی

● محمد رحیم عیوضی*

چکیده

در این نوشتار، نویسنده در پی آن است تا با توجه به تحول همه جانبه‌ای که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در دنیا به وجود آورده و این باور را در اذهان جهانیان ایجاد کرده که اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی می‌تواند مهم‌ترین تحولات جهانی را رقم بزند، سیاست نه شرقی و نه غربی را تحلیل و بررسی نماید و موضع‌گیری‌های متعدد این سیاست را در قانون اساسی بازگو کرده و عملکرد آن را در مواجهه با ناملازمات بین‌المللی و سیاست خارجی بسنجد.

در قسمتی از این نوشتار آمده است که: قرآن مجید خطاب به پیامبر (ص) می‌گوید: «به مردم بگو، من پیام‌آور و فرستاده خدا به سوی شما هستم» یعنی در واقع قانونی آوردم که تعلق به همه مردم دارد؛ نه فقط مسلمانان و مردم یک ناحیه خاص، این موضوع نشان دهنده آن است که در این نوع سیاست، تنها ملاک برتری ملت‌ها و افراد بر یکدیگر، تقوای الهی است و اصول مبانی چنین سیاست خارجی بر پایه آیات و احکام قرآنی است که بر محورهای روابط با اهل کتاب و روابط با غیر اهل کتاب، و نکاتی از این قبیل استوار می‌باشد.

نویسنده در قسمتی از نوشتار، از ناملازمات بین‌المللی که گریبانگیر انقلاب اسلامی ایران است، صحبت می‌کند و چنین بیان می‌دارد که ما با تبعیت از سیاست نه شرقی و نه غربی، مرزهای خود را در تمام جنبه‌های

فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و هنری گشوده‌ایم و چه بسا که امام(ره)، استفاده از اصل دعوت را، اولین اصل در سیاست خارجی مطرح کرده‌اند.

در پایان، مؤلف مقاله به این نتیجه دست یافته که از سیاست نه شرقی و نه غربی، سیاستی مستقل و در ابعاد داخلی و خارجی، به دور از هرگونه محدودیت است.

مقدمه

تحول همه جانبه‌ای که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) در دنیا به وجود آورد، این باور را در اذهان جهانیان ایجاد کرد که اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی می‌تواند مهم‌ترین تحولات جهانی را رقم زده و برای پرسش‌های عصر جدید و مدیریت جوامع، نسخه‌های شفابخشی را ارائه نماید که نتیجه تأثیر افکار جاودانه اندیشه‌های سیاسی و دینی و نیز عملکرد این تأثیرات در دوران کوتاه عمر مبارکشان در بعد از انقلاب، به صورت عملی بسیار کوتاه، اما درخشان و با ارزش بود.

اثرات عمیق اندیشه‌های امام تنها در بعد نظری و فکری، مهمور نگردیده بلکه؛ در بعد عملی حتی مؤثرتر هم بوده است و توانسته معادلات موجود در نظام بین‌الملل را دگرگون ساخته و اعمال و رفتار و روابط موجود این سیستم‌های بین‌المللی و مقتضیات حاکم بر نظام بین‌الملل را به چالش کشاند.

امام(ره) توانسته جسارت و شهادت انتقاد کردن در برابر قدرت‌ها را به دیگر رهبران جهان و دیگر کشورها انتقال دهد و عملکرد نظام بین‌المللی را زیر سؤال ببرد. سیاست نه شرقی و نه غربی یکی از اصولی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید دارد. در این مقام سعی خواهد شد در تبیین علیّ شعار نه شرقی نه غربی، به مثابه اصل اساسی حیات انقلاب اسلامی، مطالعاتی انجام پذیرد و حاصل آن در قالب فرضیه «شعار نه شرقی و نه غربی، استراتژی کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که موانع و مشکلات و فرصت‌های عدیده‌ای را در پیشگاه ملت مسلمان ایران قرار داده است».

سیاست خارجی از دیدگاه اسلام و اصول و مبانی آن از منظر قرآن در اسلام؛ نوعی

۳۱ از سیاست که در چارچوب یک سیاست جهانی مبتنی بر رسالت جهانی است، تبیین می‌گردد. اسلام معتقد است باید یک حکومت واحد جهانی تحت بیرق اسلام به وجود آید. باید توجه داشت که این اسلام در جزیره‌العرب بر پیامبر عرضه شد و برای معرفی آن به سایر بلاد، نیاز به زمان و روش‌های مختلف معرفی بود امروزه نیز اسلام جهانی نشده است لذا کشورهای اسلامی باید برای اداره کشورشان و اشاعه اسلام از شیوه و سیاست‌هایی استفاده کنند که از آن به سیاست خارجی اسلامی تعبیر می‌شود.

سیاست خارجی اسلامی عبارت است از مجموعه خط مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی که دولت اسلامی در برخورد با سایر کشورهای جهانی در چارچوب اهداف کلی اسلام و احکام اسلامی در جهت اشاعه فرهنگ و قانون غنی اسلامی و رسیدگی به امور مسلمین اعمال می‌گردد.

در این رابطه در سوره اعراف آیه ۱۵۸ خطاب به پیامبر قرآن می‌فرماید:

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا.

یعنی بگو ای مردم، من پیام آور و فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

در واقع من قانونی آوردم که تعلق به همه مردم دارد، نه فقط به مسلمان‌ها و مردم جزیره‌العرب، قانونی که حقوق همه ملت‌ها، رنگ‌ها، نژادها و قوم‌ها را به یکسان رعایت می‌کنند و تنها ملاک برتری ملت‌ها و افراد بر یکدیگر تقوای الهی است. اصول و مبانی چنین سیاست خارجی برپایه آیات و احکام قرآنی بر چند محور کلی قابل تقسیم است:

۱- روابط با اهل کتاب

۲- روابط با غیر اهل کتاب

۳- شورای کلی، پیرامون روابط خارجی

۴- جنگ و صلح در اسلام

در زمینه روابط مؤمنان با اهل کتاب، می‌توان موارد زیر را از مضامین آیات الهی استخراج کرد:^{۱۷}

۱- اهل کتاب نیز مانند خود مؤمنان از دو گروه مؤمن و فاسق تشکیل شده‌اند. (سوره آل عمران - آیه ۱۱)

۲- تجویز ایجاد رابطه صحیح و منطقی با اهل کتاب مؤمن و صالح (سوره آل عمران - آیه ۱۱۳ و ۱۱۴)

در بخش دیگر قرآن در برقراری ارتباط با دیگر کشورها و در احتراز از اینکه از دوستی با بیگانگان غیرمسلمان افراط کنیم؛ توصیه می‌کند که نباید در ابراز عواطف و دوستی و ارتباط با بیگانگان چنان افراط کنند که حتی حاضر شوند، آنان را سرپرست امور خود قرار داده و کارهای خود را به دست آنان بسپارند.

۲- توصیه برخورد ملایم با عموم اهل کتاب مؤمن و صالح (سوره آل عمران - آیه ۱۱۴ و ۱۱۳)

۴- توجه به اینکه اهل کتاب هرگز از تلاش در راه قبولاندن آرای خود به مسلمانان دست بردار نیستند. (سوره بقره - آیه ۱۲)

نتیجه اینکه هرگونه استراتژی سیاست خارجی انقلاب اسلامی در قالب نظام جمهوری اسلامی، باید در چارچوب این اصول تنظیم و هدایت شود. سیاست نه شرقی نه غربی، صدور انقلاب اسلامی فقط مصالح دینی و منافع ملی و... در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصولی است مانند:

۱- شناسایی اعتباری سرزمین جغرافیایی و دولت‌ها تا رسیدن به تشکیل حکومت واحد جهانی

۲- اصل دعوت

۳- اصل حفظ دارالاسلام (ام القری)

۴- اصل نهی از ولایت کفار (نفی سبیل)

۵- اصل جهاد

انقلاب اسلامی و نامالیقات بین‌المللی

انقلاب اسلامی ایران پیش از پیروزی و پس از پیروزی، درگیر سلسله‌ای از مشکلات و موانع اساسی قرار داشته که ریشه اصلی آن سلطه و نفوذ بیگانگان بر پیکره ساخت قدرت سیاسی و تقویت استبداد داخلی بود. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، طرح شعارهایی بود که به نفی سلطه بیگانگان منجر می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انزوای گریب جای خود را به انزوای استیزی داد و بر سیاست نه شرقی و نه غربی تأکید شد. البته برداشت نادرستی که برخی از این اصل دارند این است که، با توجه به اینکه بر نظام بین‌الملل کفر حاکم است و بسیاری از

کشورها، بخصوص کشورهای پیشرفته صنعتی که میانه خوبی با دین ندارند، بهتر است هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداشته باشیم و مرزهایمان را بر تمام جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنان ببندیم؛ در حالی که حضرت امام با استفاده از اصل دعوت که به عنوان اولین اصل در سیاست خارجی اسلام، مطرح کرده است که با حضوری بسیار فعال و گسترده در تمام زمینه‌ها، با تمامی کشورها، رابطه مسالمت آمیز (نه گرگ و میش) برقرارکنیم (بجز رژیم صهیونیستی و کشورهایی که مفهوم رابطه متقابل عادلانه را درک نمی‌کنند) و با تقویت جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی، با استفاده از مبانی اسلامی بتوانیم جامعیت و برتر بودن دین اسلام و قوانین سعادت آفرین آن را به جهانیان بشناسانیم. چگونه انقلاب اسلامی می‌توانست هم شعار صدور انقلاب را دنبال کند و هم قطع رابطه با جهان داشته باشد. اسلام با چه وسیله‌ای می‌توانست انقلاب را صادر نماید یا اینکه چگونه می‌توان با برقراری رابطه حتی با کشورهای غیرمسلمان و لائیک، بتدریج در میدان عمل، می‌توان مصلحت اسلام را که جهانی شدن آن است مورد توجه قرار داد تا منافع ملی کشورمان به عنوان ام القری تأمین شود.

انقلاب اسلامی، با طرح مجدد قرآن و سنت منادی وحدت اسلامی برای ساختن زندگی بشر در جهان اسلام است. بنابراین امام راحل جمهوری اسلامی ایران مایل است براساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملت‌های اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث احتمالی، سیاسی، نظامی از ناحیه استکبار جهانی، با قدرت و نفوذ خود، آنها را رفع نموده و در جهت کنترل و نفس سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه‌های دقیق و قوی ارائه دهد.^{۱۸}

حال چگونه این پیام به گوش مسلمانان و جهانیان می‌رسید؟ و چه تدبیری لازم بود اندیشیده شود؟

پاسخ عبارت است از صدور انقلاب، زیرا؛ انقلابی که برپایه مایه‌های فکری - فرهنگی نضج گرفته و رشد یافته، به جهت احساس رسالت انقلابی و وظیفه شرعی و انسانی که برای خود می‌بیند برای نشر و ترویج اندیشه‌های خود اقدام خواهد نمود و این مفهوم، یعنی؛ صدور انقلاب. صدور افکار و اندیشه‌هایی که انقلاب اسلامی براساس آنها و برای آنها صورت گرفته است، کسب استقلال و آزادی با تکیه بر اسلام می‌باشد

بنابراین معاندان، صدور انقلاب را به معنای فتح سرزمینی معرفی کردند و هدف از آن را - که دعوت به اسلام بود - به صورت وارونه جلوه دادند. از گفته‌های امام خمینی (س) در این مورد است که «ما یک ملتی بودیم که تحت فشار ابرقدرت‌ها قرار داشتیم و الان از تحت فشار آنها بیرون آمدیم و داریم به پیش می‌رویم و این اعتلای ملت است. اعتلا به این نیست که شکم ما سیر باشد، اعتلا به این است که ما مسلمان را و مکتبمان را به پیش ببریم و ما بحمد... داریم مکتب را پیش می‌بریم و مکتبمان را گسترش خواهیم داد به همه ممالک اسلامی، بلکه در همه جا که مستضعفین هستند و ما رو به اعتلا هستیم و می‌خواهیم بشر را رو به اعتلا ببریم.»^{۱۹}

«مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند.»^{۲۰}

ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوارطیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، بوسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود.^{۲۱}

مطالعه دقیق اصول مرتبط با سیاست خارجی، ما را به این مطلب رهنمود می‌کند که جهت‌گیری قانون اساسی، به سوی برقراری توسعه و تحکیم روابط با بازیگران بین‌الملل و به خصوص با کشورهای اسلامی و جهان سوم می‌باشد و هرگز در این سند صحبتی از قطع یا تقلیل ارتباط به جز مواردی که با اصول دینی تعارض دارد، به میان نیامده است و در اصل یکصد و سی و دوم قانون اساسی تصریح گردیده است روابط صلح آمیز با دولت‌های غیر محارب؛ نه فقط کشورهای مسلمان یا همسایه.^{۲۲}

سیاست نه شرقی و نه غربی، مختص به کشورهایایی است که خارج از اصول مندرج در بندهای قانون اساسی جمهوری اسلامی، استقلال و تمامیت ارضی را مورد تهاجم قرار داده است. از جمله می‌توان به استراتژی تهاجمی آمریکا در رویارویی با انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی تاکنون اشاره داشت. تأسیس جمهوری اسلامی و روند رو به پیشرفت انقلاب و عدم توانایی آمریکا در تضعیف امام خمینی (ره) که به معنای جدی

۲۵ بودن خطر از دست دادن ایران و منابع نفتی‌اش بود، در اتخاذ نوع اقدامات و لحن موضع‌گیری‌های آمریکائی‌ها تأثیر بسیاری گذاشت - در اسناد لانه جاسوسی آمریکا در تهران می‌خوانیم: ما چیزی که با آن (امام) خمینی را تهدید کنیم نداریم، مخصوصاً در سیاست خاورمیانه (امام) خمینی نیرویی خواهد شد که ما ناچاریم آن را به حساب آوریم. ۲۲ از این رو صف‌آرایی در مقابل ایران انقلابی و به چالش طلبیدن آن، به مرور شفاف‌تر می‌گشت. در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۹ آمریکا به صورت یک جانبه اقدام به قطع رابطه سیاسی با ایران - متحد استراتژیک سابق - کرد.

امام خمینی(ره) که دلسوز استقلال و آزادی ملت بود به فاصله یک روز در پیامی اظهار کردند: ملت شریف ایران، خیر قطع رابطه ایران و آمریکا را دریافت کردم.

اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت، به خیر و صلاح مظلوم، همین قطع رابطه است. رابطه یک ملت به پا خواسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالم‌خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم، چون که دلیلی بر قطع امید دولت آمریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلایه پیروزی نهایی را که ابر قدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه، یعنی خاتمه دادن به چپاولگری‌ها کرده، اگر جشن بگیرد حق دارد. ۲۴

این پیام شکست سختی برای آمریکا بود، چرا که آنان می‌پنداشتند؛ که بدین طریق «تحقیر» و «ترس» را همچون همیشه به ملت و دولت ایران تحمیل می‌کنند اما آنچه یافتند چیزی جز «افتخار» و «شجاعت» نبود. عصبانیت این غول دیوانه، قدرت تعقل و محاسبه‌گری را از او ستاند و او را از سنجش هزینه و فایده در برنامه‌هایش در قبال ایران عاجز نمود. در این مرحله آمریکا برای آخرین بار به نیروهای ضد انقلاب داخلی فرصت داد تا از طریق یک کودتا بتوانند بر انقلاب اسلامی غالب آیند. این کودتا که توسط آخرین نخست وزیر شاه، «شاپور بختیار» طراحی گردیده بود، قرار بود از «پایگاه نوژه» اقدامات آن هماهنگ و اجرا گردد لیکن با هوشیاری نیروهای امنیتی و سپاه با شکست مواجه شد و امید آمریکا از نتیجه‌بخشی چنین فعالیت‌هایی سلب شد و به این ترتیب دیدگاه نظامیان آمریکا برای مقابله با ایران غالب گردید و حمله نظامی توسط عراق، همسایه همیشه مزاحم ایران آغاز شد. کادر رهبری عراق از ماهها قبل با مراداتی که با مقامات آمریکایی داشتند، آمادگی کافی را برای چنین اقدامی کسب کرده

و توانسته بودند مقام نمایندگی آمریکا برای مقابله با ایران را احراز نمایند.

شوروی نیز در چارچوب سیاست خارجی خود همواره سیاست‌های سلطه‌طلبی در ایران را دنبال نموده است، به طوری که در یک‌صد ساله اخیر تحولات سیاسی کشور ایران، سدی محکم در برابر جنبش‌های مردمی، دینی ایجاد کرده و پس از انقلاب، تا فروپاشی نظام سیاسی این کشور، این سیاست ادامه داشته است.

به عنوان مثال، در جنگ ایران - عراق به موازات اقدامات بلوک غرب، ابرقدرت شرق نیز می‌کوشید، از وضعیت جنگ، سود جوید. شوروی‌ها از یک طرف با تقویت ارتش عراق، به ویژه نیروی هوایی آن و ارسال هواپیماهای میگ ۲۵ به عراق، نیروی هوایی عراق را قادر ساختند بالاتر از سقف برد پدافند هوایی ایران، پرواز کرده و به سادگی در آسمان تهران حضور یابد. از سویی پس از مخالفت با خواسته روس‌ها مبنی بر عدم حمایت از مجاهدین افغانی و عدم مصالحه ایران بر سرنوشت افغانستان، شوروی‌ها علاوه بر عدم مساعدت در جلوگیری از جنگ شهرها - که عراق با شدت دنبال می‌کرد - در یک حرکت مشکوک، لیبی را وادار کردند تا کارشناسان نظامی خود را پس از خرابکاری در سیستم هدایت موشک‌های زمین به زمین اسکاد و موشک‌های زمین به هوای سام ۲، از ایران خارج کند. با خرابکاری؟! در موشک‌های اسکاد، عملاً قدرت مقابله به مثل ایران از بین می‌رفت و نیروی خودی نمی‌توانست در قبال بمباران تهران، به بغداد حمله موشکی کند. مضافاً اینکه، با خرابکاری در موشک‌های ضد هوایی سام ۲، پدافند هوایی تهران تضعیف شد و متقابلاً، قدرت عمل میگ‌های ۲۵ عراق افزایش یافت. بنابراین نتیجه چنین اقدامات سلطه‌گرانه شرق و غرب در مصالح ملی ایران، باعث حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با طرح شعار نه شرقی، نه غربی در انقلاب اسلامی می‌شد. نتیجه چنین رویکردی در عمل، مواردی از این قبیل بوده است:

قطع رابطه با آمریکا، کمک به جنبش‌های رهایی‌بخش، ارتباط جدی‌تر و نزدیک‌تر با جهان اسلام، عدم وابستگی مطلق به هیچ یک از قدرت‌های بزرگ، ضدیت با صهیونیسم بین‌الملل، همدردی و حمایت از مردم فلسطین و ...

امام خمینی(ره) در تحلیل شعار نه شرقی، نه غربی، روابطی را مردود دانسته که موجب سلطه شود. ایشان می‌فرمایند:

«اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود، ترک این روابط

بر تمام مسلمانان واجب است.»^{۲۵}

امام (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید:

«اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و بر قرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی اینها می‌گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود، باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان نمایند بر ترک روابط سیاسی اینچنین هر چند به وسیله مبارزه منفی باشد.»^{۲۶}

از سویی امام در برداشتی عمیق‌تر گوشه‌نشینی و سیاست انعزال را خلاف عقل و شرع معرفی نموده ضمن تأکید بر رابطه با همه دولت‌ها و به جز چند کشور محدود آن هم به دلایل کاملاً منطقی، بستن مرزها به روی کشورها و قطع روابط دیپلماتیک با آنها را به معنای فنا و هلاکت و مدفون شدن کشور تلقی می‌کند و طراحان سیاست انزوا را مورد انتقاد قرار داده می‌فرماید:

«این معنا که گاهی اهل غرض و جهان آن را بیان می‌کنند یا نمی‌فهمند یا غرضی دارند زیرا تا انسان، جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید که یک نظام باید از دنیا منعزل باشد ما با هیچ ملتی بد نیستیم ما به حسب طبع اولیه می‌خواهیم با همه دولت‌ها دوست باشیم، می‌خواهیم که روابط حسنه با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم و اگر چنانچه ما احتیاج به یک چیز داشته باشیم و آنها احتیاج به یک چیز داشته باشند، تبادل کنیم مگر این که دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کنند.»^{۲۷}

قانون اساسی و سیاست نه شرقی نه غربی

در قانون اساسی اصول و بندهایی است که به تشریح سیاست نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی یعنی؛ نفی سلطه پرداخته است. در اصل دوم بند «ج» قانون اساسی سخنی از نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به میان آمده است.

در اصل سوم بند ۱۶ نسبت به تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای

اسلام، تعهدی برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان و حمایت بی‌دریغ از مسلمانان عالم اعلام موضع شده است.

اصل یازدهم قانون اساسی می‌گوید: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون» دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش و پی‌گیری به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلامی را تحقق بخشد.

در اصل چهاردهم نیز می‌گوید: به حکم آیه شریفه «لا ینهکم... عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم فی ديارکم امن تبسروهم و تقسطوهم الیهم»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. در همین رابطه به طور مشروح‌تر در اصل یکصد و پنجاه و دوم آمده است: سیاست خارجی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیر محارب. در اصل یکصد و پنجاه و سوم نیز در راستای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است. اصل یکصد و پنجاه و چهارم جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند. استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌داند، بنابراین ضمن خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت کند.^{۲۸}

از آنجا که سیاست خارجی هر کشوری به عنوان نمایی بیرونی نظام سیاسی حاکم بر آن می‌باشد لذا همه فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی تدوین شده است.

مصلحت در سیاست نه شرقی و نه غربی

جمهوری اسلامی ایران، ثمره انقلاب اسلامی ملت ایران بر پایه تأمین منافع ملی و عزت

۳۹ و سربلندی ایران و مصالح اسلام قرار دارد. امام خمینی(ره) نیز بر اصولی تأکید داشتند که در دراز مدت منافع ملی و مصالح اسلام هر دو را تأمین می‌کرد مثلاً خود اتکایی در تمام زمینه‌ها، عدم وابستگی به شرق و غرب، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، هم زیستی مسالمت‌آمیز و روابط توأم با احترام متقابل، یکی از بزرگترین آموزه‌های امام خمینی(ره) به ملت ایران و مسلمانان جهان، درس عزت‌طلبی است و در نظر داشتن عزت در سیاست خارجی به این معناست که در تصمیم‌گیریهایی بین‌المللی به گونه‌ای مصلحت‌سنجی شود که عزت کشور و اسلام خدشه‌دار نشده و آن تصمیم منتهی به نلت مسلمین نگردد.^{۲۹}

لذا در نظر داشتن عزت کشور و مسلمانان و رعایت اصل نه شرقی و نه غربی و حفظ استقلال کشور، هیچ کدام نباید مجوزی برای غافل شدن از منافع کشور باشد و باید یک ظرافت‌های خاصی را به کار برد و برنامه‌ریزی استراتژیک انجام داد و با در نظر گرفتن مصالح اهم و مهم، همه اهداف را تأمین کرد.

مصالح کشور که حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را در عرصه‌ی جهانی تأمین می‌نماید، جز در سایه‌ی مصلحت اهم که حفظ شعار نه شرقی، نه غربی و صدور انقلاب می‌باشد، میسر نخواهد بود. در راستای تقویت هر چه بیشتر رابطه تعاملی بین مصالح نظام و حفظ شعار اساسی نفی سلطه‌ی هدایت سیاست خارجی جمهوری اسلامی به سوی تقویت اقدامات ذیل پیشنهاد می‌گردد.

... وحدت بین مستضعفان جهان بر پایه ائتلاف و اتحاد ملت‌های اسلامی.

«اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین، زیر دست قدرت‌ها باشند اگر این قدرت به قدرت بزرگ الهی منظم شود هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد»^{۳۰}

امام سلطه بیگانگان را نتیجه تفرقه و جدایی بین مسلمانان و سران کشورهای اسلامی می‌داند.

خنثی کردن توطئه دشمنان

مصلحت جمهوری اسلامی در راستای تقویت روابط با دیگر کشورها، به مثابه اهداف و اصول آرمانی انقلاب و اسلام است. امام(ره) می‌فرماید:

«ابر قدرت‌ها و آمریکا خیال می‌کردند که ایران به واسطه انقلابی که کرده است و می‌خواهد استقلال و آزادی را که یک مسأله تازه و بر خلاف رویه همه حکومت‌هاست به دست بیاورد، به ناچار منزوی خواهد شد. وقتی که منزوی شد، زندگی نمی‌تواند بکند دیدید که نشد و ایران روابطش با خارجی‌ها زیادتر گردید، حالا به این مطلب افتادند که ما چکار داریم به دولت‌ها اینها همه ظالم هستند و کذا و ما باید با ملت‌ها روابط داشته باشیم که این هم نقشه تازه و مسأله بسیار خطرناک و شیطنت دقیقی است. ما باید همان‌گونه که در زمان صدر اسلام پیامبر، سفیر به اطراف می‌فرستاد که روابط درست کند، عمل کنیم و نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها چه کاری داریم این بر خلاف عقل و شرع است و ما باید با همه روابط داشته باشیم، منتها چند استثنا دارد که الان هم با آنها رابطه نداریم.»^{۲۱}

تأکید بر مصلحت‌آزمی در سیاست خارجی

چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و امام نیز با قاطعیت تمام حفظ مصالح - منافع مردم را از وظایف غیر قابل انکار خویش تلقی نمود.

امام(ره) در پاسخ به سؤالی هدف از حکومت را این‌گونه تشریح می‌نماید:

«حکومت آینده هیچ تعهدی جز در برابر ملت و حفظ منافع و مصالح آنها ندارد.»^{۲۲}

بنابراین اهم مصلحت در انقلاب اسلامی اولاً: مصلحت اسلام است، بعد مصلحت مردم یا منافع ملی؛ البته باید اذعان داشت که مصلحت اسلامی در واقع مصلحت مردم است چرا که؛ برای سعادت و کامیابی مردم برنامه دارد، صلاح اسلام مصالح و منافع برای سعادت بشر است.

نتیجه‌گیری

مسئله صدور انقلاب اسلامی، پس از شعار نه شرقی و نه غربی، پایه اصلی سیاست خارجی حکومت اسلامی ایران به شمار می‌آید که توسط امام(ره) ترسیم شده است، این

شعار، چنان نفوذی بر کل نظام جمهوری اسلامی دارد که اگر آن از سیستم حکومتی حذف شود، ماهیت انقلاب اسلامی مسیر دیگری غیر از استراتژی ایدئولوژیک خط امام (ره) می‌باشد. واقعیت این است که شعار نه شرقی و نه غربی بر سیاست خارجی قدرتهای بزرگی چون آمریکا و شوروی تأثیر گذاشت مقصود از ایدئولوژی نه شرقی و نه غربی عدم پذیرش سلطه دیگران می‌باشد که به منزله شعار اساسی در ایدئولوژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آمد. ملت اسلامی ایران در عمل نیز تأیید کرد که سلطه بیگانه را نمی‌پذیرد و از استقلال خویش سرباز نخواهد زد. باید توجه داشت حفظ استقلال ملی و دینی که اساس برنامه‌های سیاست خارجی ایران می‌باشد جز در سایه شعار نه شرقی، نه غربی که جنبه سلبی دارد و شعار صدور انقلاب که جنبه‌ی ایجابی دارد میسر نخواهد بود. بر این اساس امام می‌فرماید:

«من اکنون به ملت‌های شریف و ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه شرقی ملحد و نه به غرب ستمگر وابسته است، بلکه بصیرتی است که خداوند بر آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متمهد و پایدار و پاینده باشند.»^{۳۳}

انقلاب اسلامی ایران برای دوام و بقای خود باید از شعار نه شرقی و نه غربی تأثیر پذیرد تا موضوعیت خویش را حفظ نماید. باید با تاسی به آن ریشه اعتقادی اصیل اسلامی و مبانی فکری، نظامی و سیاست اسلامی خود را حفظ کند، چرا که حفظ استقلال ملی و منافع ارضی کشور از هرگونه دخالت بیگانه، خدمت به ایران اسلامی، مستقل در عرصه داخلی و خارجی، نپذیرفتن سلطه بیگانه، استحکام روابط جمهوری اسلامی با دولتهایی که قصد دخالت در امور داخلی ایران را ندارند، استقرار وحدت اسلامی بین کشورهای اسلامی و گسترش روابط با کشورهای همسایه اسلامی و دفاع از حقوق مسلمانان جز در سایه این شعار استراتژیک میسر نخواهد بود.

از سویی تقویت عملی و کاربردی شعار صدور انقلاب که بر پایه اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهاست بر تقویت شعار نه شرقی و نه غربی کمک خواهد نمود.

پی‌نوشت‌ها:

۱۷. گراهی، عبدالرحیم، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶
۱۸. فریاد برات، (پیام حضرت امام خمینی (س) به حجاج بیت الله الحرام، مرداد ۱۳۶۶) سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۰، ص ۳۹
۱۹. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (س)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). چاپ سوم، ۱۳۷۶، ص ۲۶
۲۰. همان، ص ۳۱
۲۱. همان، صص ۶۱-۶۰
۲۲. یزدانی، عنایت‌الله، «انزواگرایی یا انزواگریزی»، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸، ص ۳۶۳
۲۳. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گذری بر دو سال جنگ (به مناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی) ص ۲۰۲
۲۴. شورای نویسندگان و شورای تولید با اهتمام قاسم کریمی، تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان (کتاب ۵)، نشر تاریخ و فرهنگ چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۵
۲۵. صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۵۲
۲۶. همان، ص ۳۱
۲۷. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۵۲
۲۸. گراهی، عبدالرحیم، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶، صص ۵۶۲-۵۶۱
۲۹. تقوی، سید محمدناصر، «مصلحت در سیاست خارجی»، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، ش ۲، پائیز، ۱۳۷۷، ص ۵۸۹
۳۰. صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۹
۳۱. همان، ج ۱۹، ص ۷۳
۳۲. همان، ج ۴، ص ۱۷۷
۳۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۷